مروری بر واقعه محاصره پاوه در مرداد سال ۵۸ در گفت‌وگوی «جوان» با نویسنده کتاب «حماسه پاوه»

پیام امام(ره) پاوه را در یک قدمی سقوط نجات داد

■ علیرضا محمدی

محاصره پاوه از سوی گروهک‌های ضدانقلاب در مرداد ۱۳۵۸ باعث تحرک جدی در سطح کشور پیرامون مسئله کردستان شد. تا زمان غائله پاوه، عمده مردم کشورمان توجه چندانی به اغتشاشات کردستانات نداشتند، اما پس از پیام امام(ره) مبنی بر شکستن محاصره پاوه، موجی از رزمندگان به سوی این شهر و نهایتاً کردستان روانه شدند و از آن زمان به بعد موضوع کردستان در مرکز توجهات قرار گرفت. در کتاب «حماسه پاوه» به قلم رضا رستمی، مروری بر وقایعی شده که این شهر در تاریخ انقلاب و دفاع مقدس پشت‌سر گذاشته است. در گفت‌وگو با رستمی به مقطع چند روزه غائله پاوه از ۲۳ تا ۲۶ مرداد ۵۸ پرداخته‌ایم.

در غائله پاوه می‌بینیم مردم و همینطور پاسدارهای محلی دوشادوش رزمنده‌ها با ضدانقلاب می‌جنگند، سپاه پاوه چه زمانی تشکیل شده بود؟

یکی از اولین شاخه‌های سپاه پاسداران در پاوه تشکیل شد. مردم پس از پیروزی انقلاب ساختمان سابق ساواک را گرفتند و به خانه پاسداران تبدیل کردند. ساختمانی که اهالی منطقه تا یکی دو ماه قبل از وارد شدن به آن وحشت داشتند، حالا شده بود محل تجمع اهالی پاوه و نیروهای مردمی. اتفاقاً در حوادث مرداد سال ۱۳۵۸ این ساختمان به محلی برای آمد و شد نیروهای انقلابی تبدیل شده بود. آن روزها خانه پاسداران شلوغ بود و اهالی شهر به آنجا پناه می‌بردند. همانطور که در فیلم «چ» دیدیم، مجروحان در گوشه و کنار این ساختمان پراکنده شده بودند.

پس ساختمان سابق ساواک تبدیل به اصلی‌ترین سنگر مدافعان پاوه در برابر ضدانقلاب شده بود؟

بله همینطور است. خانه پاسدارها دو طبقه داشت که در زمان واقعه پاوه یک جای سالم در آن باقی نمانده بود. خصوصاً راه‌پله‌ای که به طبقه دوم ساختمان می‌رفت، زیر رگبار گلوله دشمن تمام دیوارهایش سوراخ سوراخ شده بودند. غروب غم انگیز روز بیست و ششم مرداد سال ۱۳۵۸ در خانه پاسداران، معدود مدافعان این سنگر که هنوز رمقی در تن داشتند کیسه‌های شن را در بالای دیوارها قرار داده و با استقرار دو قبضه مسلسل کالیبر ۵۰، شب تا صبح جلوی پیشروی دشمن را سد کرده بودند.

غیر از خانه پاسدارها مدافعان شهر چه سنگرهای دیگری در اختیار داشتند؟

پاسگاه ژاندارمری در انتهای پاوه که پایین کوه بلندی بود یکی دیگر از خطوط دفاعی اصلی رزمنده‌ها مقابل گروهک‌ها بود. شهید چمران در خاطراتش آورده که پاوه دو سنگر اصلی داشت؛ یکی خانه پاسدارها در مرکز شهر و دیگری پاسگاه ژاندارمری در انتهای شهر که به آن پاسگاه سنگی هم می‌گفتند. چون جنس دیوارهای ساختمانش از سنگ و بتن و بسیار محکم بود. این پاسگاه تقریباً به همه منطقه تسلط داشت. منتها یک نقطه ضعف عمده هم داشت و آن هم اینکه چون زیر کوه بلندی بود، هر کسی که روی این بلندی می‌ایستاد راحت می‌توانست به محیط پاسگاه دیده داشته باشد. به همین خاطر مدافعانی که در این پاسگاه بودند کار سختی در برابر مهاجمین پیش‌رو داشتند.

مدافعان پاسگاه ژاندارمری و مدافعان خانه پاسدارها چه کسانی بودند؟

آیت‌الله شعبانی و ستوان یوسفی با تعدادی از نیروهای پاسدار و ژاندارمری در این پاسگاه مقابل مهاجمان ضدانقلاب ایستادگی کردند. دکتر مصطفی چمران و تعداد دیگری از پاسدارهای بومی و غیربومی مثل شهید اصغر وصالی و دستمال سرخ‌ها هم در خانه پاسدارها بودند. آنطور که شاهدان عینی می‌گویند، ۲۶ مرداد ۱۳۵۸ که هجوم اصلی ضدانقلاب به داخل شهر بود، به محض غروب خورشید دشمن از همه طرف پاسگاه را محاصره می‌کند و نیروهایش تا پشت دیوارهای پاسگاه جلو می‌آیند. از پنجره‌های پاسگاه با ژاندارم‌ها صحبت می‌کردند و به آنها می‌گفتند: ما با شما ژاندارم‌ها کاری نداریم، اسلحه‌تان را تحویل بدهید و به سلامت بروید. ما فقط می‌خواهیم سر پاسدارها را ببریم. آیت‌الله شعبانی ژاندارم‌ها را جمع می‌کند و می‌گوید: ما آماده شهادت شده‌ایم و تا آخرین قطره خون می‌جنگیم، ولی به هیچ وجه نمی‌خواهیم که شما به خاطر ما به خطر بیفتید، شما می‌توانید با کمال آزادی بروید. ژاندارم‌ها می‌گویند افتخار می‌کنیم که در رکاب کسانی مثل شما شهید شویم.

بعد از اوج‌گیری حمله دشمن، بیسیم‌چی پاسگاه در اتاقش زیر رگبار گلوله‌ها زیر میز می‌رود و درازکش همه وقایع را به کرمانشاه گزارش می‌دهد. همین گزارش‌ها نهایتاً به گوش حضرت امام خمینی(ره) هم می‌رسد. درگیری‌های پاسگاه تا صبح طول می‌کشد و با کمک پاسدارها و نیروهای ژاندارمری حاضر در داخل پاسگاه، نهایتاً ضدانقلاب عقب‌نشینی می‌کند.

گویا بیمارستان پاوه هم یکی دیگر از سنگرهای مقاومت مدافعان شهر بود. این بیمارستان چه نقشی در حمله پاوه داشت؟

بیمارستان پاوه در منتهی الیه شرقی شهر قرار داشت. آنجا در ابتدا جزو خطوط دفاعی نبود، رزمنده‌هایی که از خارج شهر کار دفاع را شروع کرده بودند، وقتی که مهمات‌شان تمام می‌شود، مجبور می‌شوند عقب‌نشینی کنند و چون اولین جایی که می‌توانند در آن پناه بگیرند، ساختمان نسبتاً بزرگ بیمارستان بود و به آنجا می‌روند. در واقع بیمارستان دروازه ورودی شهر بود. پاسدارهای پناه گرفته در این بیمارستان حدود ۲۴ساعت آنجا مقاومت می‌کنند و نهایتاً تعداد زیادی از آنها شهید می‌شوند و اندک نیروهای باقیمانده بعد از سقوط بیمارستان از آنجا عقب‌نشینی می‌کنند و خود را به داخل شهر می‌رسانند. بیمارستان پاوه که تا مدت‌ها مجهزترین و بهترین درمانگاه منطقه بود، سال ۱۳۴۷ با ظرفیت ۲۱ تخت احداث می‌شود و سال ۴۸ به بهره‌برداری می‌رسد. سال ۵۸ که قضیه پاوه پیش می‌آید، ظرفیت این بیمارستان بالاتر هم می‌رود و ۶۰ تختخوابی می‌شود. با محاصره پاوه در مرداد سال ۵۸، تعدادی از رزمنده‌ها در آنجا مقابل دشمن ایستادگی می‌کنند. اما متأسفانه بیمارستان روز ۲۶ مرداد به دست ضدانقلاب می‌افتد. ۲۵ نفر از پاسدارهای مدافع آنجا به شکل وحشیانه‌ای از سوی ضدانقلاب به شهادت می‌رسند. اکثر شهدای این واقعه جزو مجروحانی بودند که ضدانقلاب بدون توجه به این موضوع آنها را پشت دیوار بیمارستان می‌برند و به گلوله می‌بندند. بعضی‌ها را هم سر می‌برند و اعضای بدن‌شان را قطع می‌کنند. صبح روز بعد با صدور فرمان امام، دشمن می‌ترسد و فرار می‌کند، مردم خودشان را به بیمارستان می‌رسانند. آنجا وقتی چشم‌شان به اجساد تکه‌تکه شده پاسدارها می‌افتد، حاضران و شاهدان به شدت متأثر می‌شوند و شیون می‌کنند. آنهایی که قابل شناسایی بودند را دفن می‌کنند، اما از میان شهدا هشت نفر اصلاً قابل شناسایی نبودند. به شکل کلی می‌دانستند این هشت نفر چه کسانی هستند، اما اینکه کدام جسد متعلق به چه کسی است، مشخص نبود. نهایتاً آنها را نیز دفن می‌کنند و مزار این هشت شهید نمادی از واقعه تاریخی پاوه می‌شود. نکته جالب این است که مردم بومی منطقه برای شهدایی عزاداری می‌کنند که برخی از آنها اهل مناطق دیگر کشورمان چون تهران بودند، اما برای این مردم مهم جایگاه والای این شهدا بود که جان‌شان را برای دفاع از همین مردم فدا کرده بودند.

> از فاصله بسیار نزدیکی درگیری‌ها تا نیمه‌های شب ادامه می‌یابد. کم مانده بود که هر دو سنگر مدافعان سقوط کنند که پیام امام(ره) بامداد از طریق رادیو پخش می‌شود. در این پیام، امام از همه نیروهای مسلح خواسته بودند بدون فوت وقت خود را به پاوه برسانند. با پیام امام دشمن از شهر فرار می‌کند

کل ماجرای پاوه از چه روزی تا چه روزی بود؟

پاوه چون موقعیت استراتژیکی داشت، ضدانقلاب روی تسلط به این شهر توجه زیادی داشت. هرچند درگیری مدافعان با مهاجمان به این شهر از ۲۳ تا ۲۶ مرداد اوج می‌گیرد، اما قبل از این تاریخ هم ضدانقلاب پیرامون پاوه موضع گرفته بودند و حتی بیانیه‌هایی نیز صادر می‌کردند که در تاریخ آمده است. من در کتابم به روزشمار درگیری‌های پاوه پرداخته‌ام. درگیری‌های اصلی از بامداد روز ۲۴ مرداد شروع می‌شود. تعداد زیادی مهاجم مسلح که مرکب از عناصر دموکرات و احزاب ضدانقلاب دیگر بودند، به شهر حمله می‌کنند و این شهر را به محاصره خود درمی‌آورند. از همین جا درگیری‌های شدیدی رخ می‌دهد. روز بعد (۲۵ مرداد) دوباره درگیری‌ها از سر گرفته می‌شود. در این روز یک فروند هواپیمای نیروی هوایی برای شناسایی به منطقه می‌آید که پدافند هوایی ضدانقلاب آن را سرنگون می‌کند. دو خلبان این هواپیما به نام‌های سیدعبدالله بشیری و محمد نوژه به شهادت می‌رسند. سپس یک بالگرد هوانیروز هم در درگیری‌های پیش آمده مورد اصابت گلوله‌های ضدانقلاب قرار می‌گیرد و پیکر تعدادی از شهدا و مجروحان که داخل این بالگرد بودند در سقوط به اطراف می‌ریزد و صحنه‌های دلخراشی ایجاد می‌کند. در روز ۲۶ مرداد ۱۳۵۸، درگیری‌ها به اوج خودش می‌رسد. در این زمان بیمارستان سقوط می‌کند و ضد انقلاب به دو سنگر باقیمانده، یعنی خانه پاسدارها و پاسگاه ژاندارمری حمله می‌کنند و از فاصله بسیار نزدیکی درگیری‌ها تا نیمه‌های شب ادامه می‌یابد. شب کم مانده بود که هر دو سنگر مدافعان سقوط کنند که پیام امام(ره) بامداد از طریق رادیو پخش می‌شود. در این پیام امام از همه نیروهای مسلح خواسته بود بدون فوت وقت خود را به پاوه برسانند. بعد از این پیام، ضدانقلاب می‌ترسند و از شهر فرار می‌کنند.

یک نکته‌ای در مورد غائله پاوه وجود دارد، بعد از پیام امام چه اتفاقی افتاد، ضدانقلاب چه زمانی عقب‌نشینی کردند و مدافعان شهر چه واکنشی داشتند؟

هنوز چند ساعتی از صدور پیام امام نگذشته بود که خبر می‌رسد ضدانقلاب ترسیده‌اند و عقب‌نشینی کرده‌اند. آنها به قدری از این پیام و واکنشی که دربرداشت، وحشت کرده بودند که گروه گروه و حتی به صورت نفر به نفر از شهر فرار کرده و به کوه‌ها پناه برده بودند. با شکستن حلقه محاصره گرد خانه پاسداران، شهید اصغر وصالی برای حمله به ضدانقلاب منتظر رسیدن نیروهای کمکی نمی‌ماند و با گروه کمی از یارانش که هنوز توان نبرد داشتند از ساختمان خارج می‌شود و به طرف نقطه‌ای که همه شهر از آنجا گلوله باران می‌شد، حرکت می‌کنند. نیروهای مزدور که تا چند ساعتی پیش جشن پیروزی برپا کرده بودند، چنان دچار وحشت شده بودند که به محض رسیدن نیروهای سپاه پا به فرار می‌گذارند و مهم‌ترین مرکز حزب دموکرات در پاوه با حمله تنها پنج پاسدار فتح می‌شود. سپس عده دیگری از رزمندگان سپاهی با فرماندهی شهید چمران به سمت فرودگاه (محل فرود بالگردها) می‌روند و آنجا را هم پاکسازی می‌کنند.

در صحبت‌های‌تان به شهید آیت‌الله شعبانی به عنوان یکی از قهرمانان غائله پاوه اشاره کردید، ایشان روحانی بودند؟

نه نام این شهید بزرگوار «آیت‌الله» بود که به او آیت می‌گفتند. ایشان متولد سال ۱۳۲۸ در گودین استان کرمانشاه بود که در کودکی‌هایش، خانواده‌اش به مرکز استان مهاجرت می‌کنند. شهید آیت در زمان انقلاب جوانی برومند بود. ایشان فعالیت‌های انقلابی بسیاری داشت. در سخنرانی‌های شهید اشرفی اصفهانی شرکت می‌کرد و انقلابی‌هایی مثل آیت‌الله حاج آخوند کرمانشاهی نماینده امام در کرمانشاه مرتبط بود. شهید آیت یک روحیه جهادی هم داشت و برای مبارزه با رژیم نیم نگاهی هم به مبارزات مسلحانه داشت. حتی یک‌بار که همراه دوستانش قصد داشتند بمبی درست کنند، این بمب منفجر می‌شود، اما به کسی آسیبی نمی‌رسد. شهید آیت یک رزمنده تمام عیار بود. ایشان حتی بعد از پیروزی انقلاب به لبنان می‌رود و شش ماه آنجا می‌ماند. به جوانان لبنانی آموزش‌های نظامی می‌دهد و در همان لبنان با شهید چمران آشنا می‌شود.

قبل از ورود به غائله پاوه، شهید آیت چه فعالیت‌هایی داشت؟

شهید آیت بعد از بازگشت از لبنان مسئولیت عملیات سپاه کرمانشاه را برعهده می‌گیرد و به غائله کردستانات ورود می‌کند. در مناطق و شهرهایی چون کامیاران، سنندج، بوکان و... با ضدانقلاب می‌جنگد و مجروح هم می‌شود. از برادر شهید نقل شده که «وقتی شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی توانایی‌های برادرم را در میادین نبرد می‌بیند، از او می‌خواهد به ارتش بپیوندد و آنجا آموزش‌های تکمیلی را پشت‌سر بگذارد. شهید آیت هم به کلاه سبزهای شیراز ملحق می‌شود. دو سال آنجا بود و انواع آموزش‌های نظامی و تکاوری از جمله دفاع شخصی، رِنجر، چتربازی، بوکس و... را فرا گرفت. حتی یک‌بار هم هنگام سقوط آزاد چترش باز نشده بود، ولی نزدیک به زمین، خدا رحم کرد و چترش باز شد. در آنجا سختی‌های بسیاری کشید.» شهید آیت در غائله پاوه به کمک شهید چمران می‌رود و همانطور که قبلاً اشاره کردم، در سنگر پاگاه ژاندارمری در کنار دیگر مدافعان با دشمن می‌جنگد. نهایتاً ۲۳ اردیبهشت سال ۵۹ در حالی که به همراه اکیپی از نیروهای پاسدار برای دستگیری گروهی از اشرار مسلح به یکی از روستاهای ماهیدشت کرمانشاه رفته بودند، با این اشرار درگیر می‌شوند که شهید آیت مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و به شهادت می‌رسد. چون او خیلی زود شهید شد و عمر زمینی‌اش حتی به حضور در جبهه‌های جنگ تحمیلی هم قد نداد، به همین خاطر کمتر از ایشان یاد می‌شود و به رغم خدمات بسیاری که داشت، نام شهید آیت‌الله شعبانی در گمنامی و مظلومیت است.

نمای نزدیک

پیکر شهدا در خیابان‌ها افتاده بود

بخشی از کتاب «حماسه پاوه» در شرح وقایع رخ‌داده در غائله این شهر:

ساعت ۲ بعدازظهر روز ۲۵ مرداد بالگرد گروه اعزامی دولت به پاوه رسید، نرسیده با بارانی از گلوله که از هر طرف به سمتش می‌رفت، مواجه شد. با هر زحمتی بود بالگرد نشست و سرنشینان سینه خیز خودشان را به پشت دیواری رساندند تا حداقل برای مذاکره زنده باشند. هواپیمای فانتومی هم که برای شناسایی و کمک آمده بود، نرسیده به پاوه رفت در دل کوه و ساقط شد. ته دل معدود مدافعان شهر کم کم خالی شده بود. در این مدت، آنها در مقابل سیل حملات مهاجمان چیزی حدود ۳۹ ساعت ایستادگی کرده بودند، اما متأسفانه به دلیل نرسیدن نیروی کمکی و مهمات، بیشتر نقاط حساس پاوه به دست مهاجمان افتاده بود و در شهر فقط دو نقطه در دست مدافعان بود، یکی پاسگاه ژاندارمری واقع در غرب پاوه و دیگری خانه پاسداران که درست در مرکز شهر واقع شده بود. آب، تلفن و برق شهر قطع شده و موادغذایی کمیاب بود. اجساد کشته‌شدگان که دیگر از حد شمارش گذشته بود، کنار خیابان‌ها افتاده بود و شدت درگیری اجازه جمع‌آوری آنان را نمی‌داد...

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۰۹۵

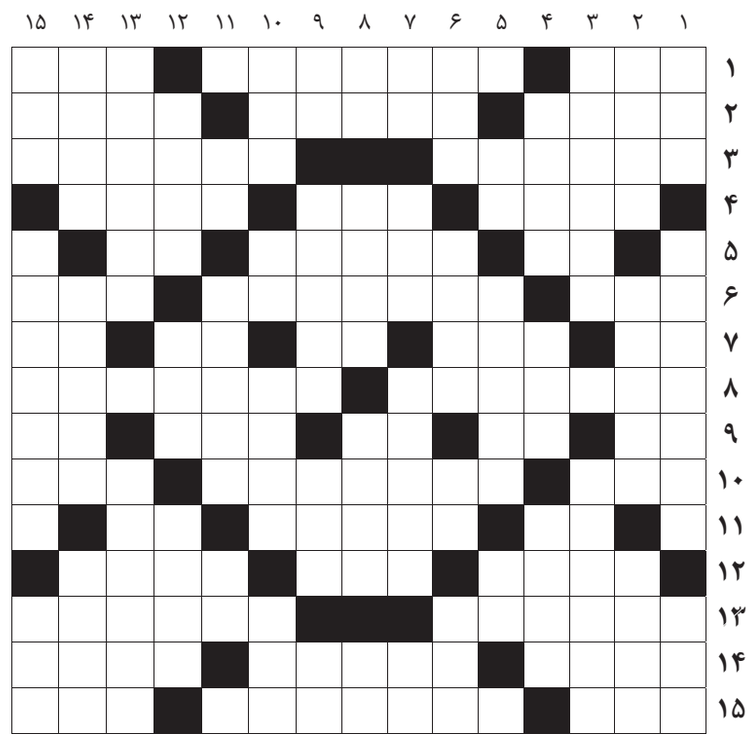

از راست به چپ

■ ۱ـ سازمان بزرگ جهانی- مولا علی علیه‌السلام می‌فرمایند قوام عبادت به آن بستگی دارد- مخترع لگاریتم ■ ۲ـ خدایا- سازمان تبهکاری ایتالیا- سبیل ■ ۳- ایالتی دوگانه در امریکا- جام سقراطی ■ ۴ـ صحیح- کهنسال- همراه بیل ■ ۵- صدمتر مربع- خراب- ناراست ■ ۶- وسط حیاط- پیر شدن- مرزبان ■ ۷- مادر لر- عیب و ننگ- رفوزه- اجاق کیک پزی- شامل همه ■ ۸ـ خواندن کامل کلام خدا از ابتدا تا انتها- هشت پا ■ ۹- مخفف هستم- قلعه و حصار- بنده و شما- درخت همیشه لرزان- ماه سرد ■ ۱۰- سلاح زنبور- از مکاتب شاعرانه- زلف ■ ۱۱ـ کافی- پارکی در تهران- واحد سطح ■ ۱۲ـ نان از شب مانده- سدی در کنار رودخانه برای صید ماهی- از مغزهای خوراکی ■ ۱۳ـ مصنوعی- باهم نسبت داشتن ■ ۱۴ـ نیم میلیون- عبادتگاه مسیحیان- هنگام عزاداری در بالای منبر می خوانند ■ ۱۵ـ سیل- هریک از اشخاص معرفی شده در فیلم نامه- هر ساز سیمی

از بالا به پایین

■ ۱- شریک زن- محلی برای مطالعه ستارگان- پول فلزی ■ ۲- نمدمال- وزیر دفاع دولت دوازدهم- خدا ■ ۳ـ بندری که پس از ترکمنچای به روسیه واگذار شد – حمله شبانه ■ ۴- تیم فوتبالی در فرانسه- پیمان زناشویی- پوشاننده ■ ۵- عید ویتنامی‌ها- از ادوات موبایل- دویدن ■ ۶- گیاه تاجریزی- باهوش- بند دست- واحد اندازه گیری ■ ۷- گشوده- مسمار- تئاتر- از اقوام ایرانی ■ ۸- از سورههای قرآن- شادمانی- ضد انگلیسی- حرف انتخاب ■ ۹- نماد لاغری- رانندهکشتی- پینه و وصله- سرکه ■ ۱۰- خیس آذری- ساز محزون- آگاه- مقهور شطرنج ■ ۱۱- قورباغه- جدا کردن؛ پنبه زدن- تکنیک ■ ۱۲- ایموجی فرهنگستان- جوانمرد- میوهصددانه ■ ۱۳ـ از مهمات جنگی- نوعی چراغ نفتی ■ ۱۴- پایتخت چک- پیروان آیین حضرت موسی(ع)- واحد شمارش اسلحه ■ ۱۵ـ خاخام- خودشیفتگی- خالی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک‌بار به کار روند.

				۲		۵		۱
۶	۷	۳		۱				۹
			۴					
۳	۸					۹		
		۷					۲	۵
			۶	۳	۷			
۲	۳							
			۸	۵				
۱						۴	۳	

جدول کلمات متقاطع
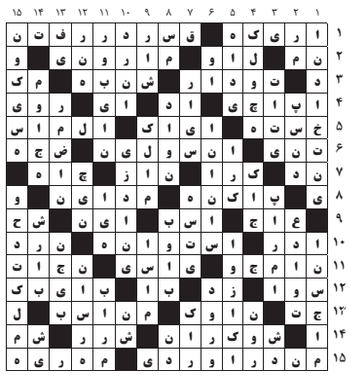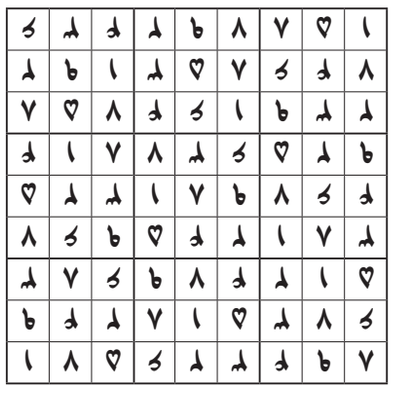
پاسخ جدول شماره ۷۰۹۴